

یادداشت

فوتبال، اتحاد ملت‌ها، پیوند فرهنگی و رونق اقتصادی

اسدالله درویش‌امیری: بیست‌وششمین جام جهانی فوتبال بزرگ‌ترین رویداد ورزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در حال برگزاری است و خوشحالم که ایران هم در این رویداد بزرگ حضور دارد؛ با آرزوی موفقیت برای فرزندان سرزمینم.

جام جهانی فوتبال: پیوند فرهنگی، اتحاد و همبستگی ملت‌ها و رونق اقتصادی: فوتبال، فراتر از یک ورزش، زبانی جهانی است که مرزهای جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی را در می‌نوردد. جام جهانی فوتبال به عنوان بزرگ‌ترین رویداد ورزشی جهان، نه تنها میدان رقابت تیم‌هاست، بلکه صحنه‌ای زنده برای تبادل فرهنگی، ایجاد همبستگی و اتحاد ملت‌ها در پنج قاره جهان است. با شرکت ۴۸ کشور نماینده پنج قاره، این رویداد دستاوردهای فرهنگی و اقتصادی عمیقی دارد که کمتر بدان توجه می‌شود.

تبادل فرهنگی: آشنایی با تمدن‌های مختلف: هر تیم ملی، نماینده‌ای زنده از فرهنگ، تاریخ و هویت ملت خود است. در جام جهانی، ملت‌ها فرصت می‌یابند تا فرهنگ خود را به جهانیان معرفی کنند و با فرهنگ‌های دیگر آشنا شوند. از موسیقی و رقص‌های محلی تا پوشش و آداب و رسوم، هر کشور سعی می‌کند غنای فرهنگی خود را به نمایش بگذارد. این تبادل فرهنگی، به شکستن کلیشه‌ها و پیش‌داوری‌ها کمک می‌کند و درک متقابل میان ملت‌ها را تقویت می‌کند.

اتحاد ملت‌ها: همبستگی فراتر از مرزها: در طول جام جهانی، مرزهای جغرافیایی و سیاسی کم‌رنگ می‌شود. میلیاردها نفر با یک زبان مشترک (فوتبال) با هم ارتباط برقرار می‌کنند و لحظات شادی و اندوه را به اشتراک می‌گذارند. این همبستگی جهانی، نشان‌دهنده قدرت فوتبال در ایجاد پیوندهای انسانی فراتر از اختلافات سیاسی و فرهنگی است.

دستاوردهای اقتصادی، رونق و توسعه: برگزاری جام جهانی، علاوه بر دستاوردهای فرهنگی، پیامدهای اقتصادی چشمگیری نیز به همراه دارد؛ (۱)- توسعه زیرساخت‌ها: کشور میزبان ملزم به ساخت یا نوسازی ورزشگاه‌ها، حمل‌ونقل، هتل‌ها و فرودگاه‌هاست که پس از پایان رویداد، به توسعه پایدار کمک می‌کند. (۲)- رونق گردشگری: میلیون‌ها توریست از سراسر جهان به کشور میزبان سفر می‌کنند که منجر به رونق صنعت گردشگری، اشتغال‌زایی و افزایش درآمدهای ارزی می‌شود. (۳)- ایجاد اشتغال: برگزاری این رویداد بزرگ، هزاران شغل موقت و دائمی در بخش‌های خدماتی، امنیتی، حمل‌ونقل و مدیریت ایجاد می‌کند. (۴)- جذب سرمایه‌گذاری: جام جهانی فرصتی برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی و معرفی پتانسیل‌های اقتصادی کشور میزبان به جهان است. (۵)- توسعه صنایع ورزشی و فرهنگی: این رویداد می‌تواند به رشد صنایع ورزشی، پوشاک، رسانه و سرگرمی کمک کند.

نتیجه‌گیری: جام جهانی فوتبال نشان می‌دهد که حتی در دنیای پر از تنش و اختلاف، می‌توان با یک زبان مشترک (فوتبال) پیوندهای عمیق انسانی برقرار کرد و همبستگی جهانی را تقویت کرد. این رویداد نه تنها میدان رقابت است، بلکه پلی است برای تبادل فرهنگی، اتحاد ملت‌ها، ترویج ارزش‌های جهانی و رونق اقتصادی. دستاوردهای فرهنگی و اقتصادی جام جهانی، واقعاً شایسته توجه بیشتر هستند و می‌توانند الگویی برای تعاملات بین‌المللی در سایر حوزه‌ها باشند.

<div><div>🇮🇷</div></div>
<div> <div><div>ایمص</div></div> <div><div>صفحه اول</div></div> </div>

این سرمایه اخلاقی، یکی از ارزشمندترین دستاوردهای دیپلماسی فرهنگی ایران در این مقطع تاریخی بود. در حاشیه اجلاس مجموعه‌های از گفت‌وگوهای دوجانبه و چندجانبه انجام شد که هر یک بخشی از معماری آینده همکاری‌های گردشگری ایران را شکل می‌دهد. دیدار با وزیر گردشگری و اقتصاد نیجریه نشان داد علاقه به شناخت تمدن ایرانی در قاره آفریقا رو به گسترش است. توافقی برای برگزاری نمایشگاه‌های مشترک در اوجوا و تهران، فعال‌سازی مسیره‌ای همکاری میان بخش‌های خصوصی و طراحی سازوکارهای جدید برای تبادل گردشگر، گامی در راستای پیوند دو تمدن و دو جامعه بزرگ انسانی به شمار می‌رفتند. کشوری با بیش از ۲۳۰ میلیون نفر جمعیت و جامعه‌ای گسترده از مسلمانان علاقه‌مند به فرهنگ و تاریخ ایران، ظرفیت‌هایی کم‌نظیر برای توسعه روابط فرهنگی و گردشگری در اختیار دارد. در دیدار با وزیر گردشگری یونان، گفت‌وگوها حول محور توسعه گردشگری دریایی و انتقال تجربیات موفق این کشور در حوزه کروز و اقتصاد گردشگری ساحلی متمرکز بود. این ملاقات برای ما فرصتی برای بازاندیشی در یکی از مهم‌ترین مزیت‌های ژئوپلیتیکی ایران بود. تحولات اخیر پیش از هر زمان دیگری اهمیت سواحل جنوبی کشور را آشکار کرد. از مکران تا هرمزان، از جزایر خلیج فارس تا بوشهر، آبادان و خرمشهر با پهنه‌ای مواجه هستیم که در هم‌نشینی تاریخ تمدن، تجارت، فرهنگ و دریا شکارگاه است. باور دارم یکی از مهم‌ترین راهبردهای توسعه ایران در دهه‌های آینده، پیوند عمیق‌تر اقتصاد ملی با دریا و تبدیل جنوب ایران به یکی از کانون‌های بزرگ گردشگری منطقه خواهد بود. گفت‌وگو با مقام عالی گردشگری چین نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. ایران و چین دو تمدن بزرگ آسیایی هستند که قرن‌ها در مسیر تبادلات فرهنگی و اقتصادی قرار داشته‌اند. در این دیدار، بر ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت عظیم بازار گردشگری چین، توسعه همکاری‌های رسانه‌ای، تقویت ارتباطات میان آژانس‌های گردشگری و برگزاری نمایشگاه‌های مشترک فرهنگی و صنایع‌دستی تاکید شد. هدف ما آن است که سهم شایسته‌ای از جریان بزرگ گردشگران چینی را به سوی ایران هدایت کنیم و در عین حال شناخت متقابل میان دو ملت را تعمیق بخشیم. دیدار با خانم شیخه ناصر النویس، دبیرکل سازمان جهانی گردشگری نیز فرصتی ارزشمند برای تبیین رویکردهای جمهوری اسلامی ایران در حوزه گردشگری بود. در این نشست بر نقش گردشگری چین، توسعه همکارای رسانه‌ای، تقویت ارتباطات میان دولت و نوآمندسازی جوامع محلی تاکید کردم. طرح «هر روستا یک بوم‌گردی» را به عنوان یکی از مهم‌ترین راهبردهای ملی برای ترویج عادلانه منافع گردشگری، حفظ هویت‌های محلی و تقویت اقتصاد روستایی معرفی کردیم؛ طرحی که مورد استقبال دبیرکل قرار گرفت و توافقی تجربه ایران در یکی از نشست‌های آتی سازمان جهانی گردشگری به عنوان الگویی موفق ارائه شود. در دیدار با وزیر گردشگری آلبانیا نیز بر تدوین نقشه‌راه همکاری‌های مشترک، توسعه تعاملات دوجانبه، معرفی متخصصان و معرفی متقابل ظرفیت‌های گردشگری دو کشور تاکید شد. این دیدارها نشان داد ظرفیت‌های همکاری جنوب - جنوب در حال گسترش است و گردشگری می‌تواند به یکی از مؤثرترین ابزارهای نزدیکی ملت‌ها در جهان چندقطبی آینده تبدیل شود. همچنین در نشست با جمعی از نویسندگان، پژوهشگران، شخصیت‌های سیاسی، اصحاب رسانه و حامیان ایران در اسپاینا، درباره ایجاد جنگ تحمیلی اخیر، پیامدهای آن برای میراث فرهنگی، تحولات اجتماعی ناشی از آن و چشم‌اندازهای منطقه‌ای سخن گفتیم. تاکید کردم آنچه در برابر تجاوز شکل گرفت، ظهور یک قدرت ملی متکی بر همبستگی ملت، دولت و نیروهای مسلح بود. تجربه این دوره نشان داد سرمایه اصلی ایران در انسجام اجتماعی، هویت تاریخی و اعتماد ملی نهفته است. اما شاید مهم‌ترین نتیجه این سفر، دریافت تصویری روشن‌تر از جایگاه ایران در ذهن جهانیان بود. بر خلاف بسیاری از روایت‌های رایج، سوبیه آنچه در گفت‌وگوهای رسمی و غیررسمی مشاهده کردم، احترام به ملتی بود که در برابر فشارها ایستاده، از هویت خود دفاع کرده و در عین حال درهای گفت‌وگو را بسته است. ایران در نگاه بسیاری از نخبگان جهان، بخشی از راه‌حل آینده منطقه و جهان است؛ کشوری که با پشتوانه تمدنی چندهزارساله، می‌تواند میان گذشته و آینده، میان سنت و نوآوری و میان قدرت و اخلاقی پلی پایدار ایجاد کند. در تمام روزهای اجلاس، نشان سینه‌ای بر لباس داشتم که نشانی من به عدد ۱۶۸ و تصویر کوله‌پشتی کودکان میان بود. این نشان یادآور کودکانی بود که قربانی خشونت شدند و یادآوری می‌کرد در پس همه تحلیل‌های ژئوپلیتیکی و معادلات راهبردی، انسان‌هایی قرار دارند که حق آنان برای زندگی، امنیت و آینده نباید قربانی منازعات قدرت شود. پیام ایران از اسپاینا روشن بود؛ ما از دل رنج، نفرت تولید نمی‌کنیم؛ از دل مقاومت، امید می‌سازیم. ما گردشگری را زبان مشترک ملت‌ها، سازوکار بازسازی اعتماد جهانی، ابزار گفت‌وگوی تمدن‌ها و بستری برای صلح پایدار تلقی می‌کنیم. ایران با اتکا به این میراث تمدنی خود، با سرمایه عظیم انسانی خویش و با تجربه‌ای تاریخی از تاب‌آوری، آماده ایفای نقشی فعال‌تر در شکل‌دهی به آینده‌ای است که در آن گفت‌وگو جایگزین تقابل، فهم متقابل جایگزین سوبرداشت و همکاری جایگزین منازعه شود. این دیدار باور تمدنی است.



۴ روایت از انتخابات هفتم و آینده مدیریت شهری در گفت‌وگو با بیات، اعطا، اقراریان و شیرزاد

فردای شورای ششم

شرق: امروز ۲۷ خرداد ۱۴۰۵، مطابق قانون، آخرین روز فعالیت شوراهای ششم شهر و روستاست. روزی که قرار بود با استقرار شوراهای هفتم همراه باشد، اما جنگ ۴۰روزه و تعویق انتخابات، معادلات را تغییر داد. اکنون کشور در وضعیتی قرار گرفته که نه‌تنها زمان دقیق برگزاری انتخابات شوراه‌ا محل بحث است، بلکه پرسش‌های مهم‌تری نیز درباره جایگاه شوراها، آینده مدیریت شهری و نسبت نهادهای محلی با ساختار حکمرانی کشور مطرح شده است. در گفت‌وگوهای «شرق» با علی اعطا، عضو پیشین شورای شهر تهران، محمد بیات، عضو کمیسیون امور داخلی و شوراهای مجلس، مهدی شیرزاد، فعال سیاسی و مهدی اقراریان، عضو شورای شهر تهران، چهار نگاه متفاوت به آینده شوراها مطرح شد؛ از تعیین تکلیف انتخابات و اجرای مصوبه شورای عالی امنیت ملی تا بازاندیشی در حکمرانی محلی، اختیارات شوراها و چالش‌های پیش‌روی کلان‌شهرها در دوره پساچنگ.

شوراها و مسئله بازگشت به وضعیت عادی

علی اعطا معتقد است نباید موضوع شوراها را صرفاً در چارچوب یک تأخیر انتخاباتی تحلیل کرد. از نگاه او، آنچه امروز اهمیت دارد، نحوه عبور کشور از یک وضعیت استثنائی به شرایط عادی است.

او به «شرق» می‌گوید: «اگر مصوبه مجلس را ملاک قرار دهیم، ۲۷ خرداد ۱۴۰۵ پایان دوره ششم شوراهای اسلامی شهر و روستاست. اگر انتخابات در موعد مقرر برگزار شده بود، شوراهای دوره هفتم نیز مستقر می‌شدند و کشور با این وضعیت مواجه نبود. اما جنگ معادلات را تغییر داد.»

اعطا معتقد است پرسش اصلی اکنون این نیست که انتخابات دقیقاً چه زمانی برگزار خواهد شد، بلکه این است که کشور چگونه می‌خواهد از وضعیت اضطراری عبور کند. «در کشورها، بحران‌ها روزی آغاز می‌شوند و روزی پایان می‌یابند؛ اما اهمیت اصلی در نحوه خروج از بحران است. جامعه امروز بیش از آنکه منتظر اعلام یک تاریخ باشد، منتظر شنیدن یک نقشه راه است.»

شوراها از نخستین نهادهایی هستند که فرایند بازگشت به باور او، «انتخابات شوراهای فقط انتخاب نیست؛ شوراها نزدیک‌ترین نهاد انتخابی به زندگی روزمره مردم هستند. کیفیت حمل‌ونقل، فضاهای عمومی، خدمات شهری و بسیاری از مسائل روزمره شهروندان به تصمیمات مدیریت شهری گره خورده است. به همین دلیل، تعیین تکلیف شوراها صرفاً یک مسئله اداری یا حقوقی نیست.»

اعطا همچنین بر نقش شوراها در بازسازی اعتماد عمومی تأکید می‌کند: «انتخابات شوراهای فقط انتخاب چند هزار عضو شورا نیست؛ این انتخابات می‌تواند نشانه‌ای از بازگشت جامعه به سازوکارهای عادی مشارکت و نمایندگی باشد.»

جدال بر سر ماندن یا رفتن شوراها

در حالی که در روزهای اخیر سناریوهای مختلفی درباره آینده شوراهای مطرح شده، محمد بیات، عضو کمیسیون امور داخلی و شوراهای مجلس، معتقد است چارچوب حقوقی موضوع روشن است و نباید ابهامی درباره آن ایجاد شود.

او به «شرق» می‌گوید: «طبق مصوبه شورای عالی امنیت ملی، دو ماه پس از پایان جنگ، انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا برگزار می‌شود و ۴۵ روز بعد از برگزاری انتخابات، شوراهای جدید فعالیت خود را آغاز می‌کنند.»

بیات تأکید می‌کند که مبنای عمل باید همین مصوبه باشد، نه گمانه‌زنی‌های سیاسی و رسانه‌ای. او در واکنش به پیشنهادهایی مبنی بر استمرار فعالیت شوراهای فعلی تا سال ۱۴۰۷ نیز موضعی صریح اتخاذ می‌کند: «شورای عالی استان اجازه‌ای در این زمینه مطرح کرده است؛ ما به نظر می‌رسد آنها به هر طریقی می‌خواهند در شوراها بمانند.»

به گفته این عضو کمیسیون شوراهای مجلس، موضوع تمدید مجدد شوراهای یا انحلال آنها اساساً در کمیسیون امور داخلی و شوراهای مجلس بررسی شده است: «بهترین روش همان اجرای مصوبه شورای عالی امنیت ملی است. این مصوبه برای آن تدوین شده که وزارت کشور فرصت کافی برای آماده‌سازی ریاست‌جمهوری انتخابات را داشته باشد.»

بیات همچنین نسبت به انتشار اخبار غیررسمی هشدار می‌دهد و می‌گوید: «تا زمانی که تصمیمات رسمی اتخاذ نشده، نباید هر گمانه‌ای را به‌عنوان خبر قطعی منتشر کرد.»

فرصتی برای بازتعریف جایگاه شوراها

اگر اعطا بر مسئله گذار از شرایط استثنائی تمرکز می‌کند، مهدی شیرزاد از زاویه دیگری به انتخابات هفتم نگاه می‌کند. به اعتقاد او، این انتخابات می‌تواند نقطه عطفی در تاریخ شوراهای شهر و روستا باشد.

شیرزاد به «شرق» می‌گوید: «انتخابات شوراهای هفتم، نخستین انتخابات در دوره جدید جمهوری اسلامی است و این اولین جهت اهمیت صناعتی می‌کشد. این انتخابات تا حدی نشان خواهد داد که جایگاه نهاد انتخابات و نهادهای نمایندگی در دوره جدید چگونه تعریف می‌شود.»

او معتقد است یکی از ویژگی‌های مهم انتخابات پیش‌این است که برخلاف دوره‌های گذشته، در سایه انتخابات ریاست‌جمهوری قرار ندارد: «سال‌ها انتخابات شوراهای حاشیه رقابت‌های ریاست‌جمهوری دیده می‌شد؛ اما این بار شهروندان به‌طور مستقیم درباره مدیریت شهرها تصمیم می‌گیرند و همین مسئله اهمیت شوراهای را برجسته‌تر می‌کند.» شیرزاد همچنین به تجربه جدید انتخابات تناسبی در تهران اشاره می‌کند: «این نخستین تجربه جدی انتخابات تناسبی در کشور است. اگر این مدل موفق باشد، می‌تواند به تقویت نقش احزاب و تشکلهای سیاسی کمک کند و حتی در آینده به سایر انتخابات‌ها نیز تسری پیدا کند.» او معتقد است

موفقیت این تجربه تا حد زیادی به رفتار جریان‌های سیاسی بستگی دارد: «احزاب باید نشان دهند که قادرند برنامه ارائه کنند، پاسخ‌گو باشند و از رقابت‌های تخریبی فاصله بگیرند.»

نخستین انتخابات یک دوره جدید

شیرزاد معتقد است انتخابات هفتم از یک جهت دیگر نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ اینکه نخستین انتخابات شوراهای دوره جدید جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. به گفته او، تحولات یک سال گذشته کشور را وارد مرحله‌ای تازه کرده و به همین دلیل انتخابات پیش‌رو صرفاً انتخاب اعضای یک نهاد محلی نیست. او می‌گوید: «انتخابات شوراهای نخستین آزمون نهاد انتخابات در شرایط جدید است. نتیجه این انتخابات و نحوه برگزاری آن می‌تواند تصویری از نگاه حاکمیت به مشارکت سیاسی و نهادهای نمایندگی در دوره جدید ارائه دهد.»

به باور شیرزاد، برگزاری مستقل انتخابات شوراهای نیز اهمیت مضاعفی به آن بخشیده است. در سال‌های گذشته، انتخابات شوراهای معمولاً در سایه رقابت‌های ریاست‌جمهوری قرار می‌گرفت، اما این بار شهروندان به‌طور مستقیم برای انتخاب نمایندگان محلی خود پای صندوق رای خواهند رفت؛ موضوعی که می‌تواند جایگاه شوراها را در افکار عمومی پررنگ‌تر کند.

چالش بزرگ شوراهای هفتم؛ منابع پایدار و بازسازی شهرها

شیرزاد در عین حال معتقد است شوراهای هفتم با مسائل دشواری نیز روبه‌رو خواهند بود. به گفته او، مهم‌ترین چالش مدیریت شهری در سال‌های آینده، همچنان مسئله منابع مالی است: «درآمدهای پایدار شهری همچنان یک مسئله حل‌نشده است. در شرایط اقتصادی فعلی و با هزینه‌های ناشی از جنگ، اداره کلان‌شهرها تا دشوارتر از گذشته خواهد بود.» او هشدار می‌دهد که فشارهای مالی ممکن است برخی مدیران شهری را به سمت راه‌حلهای کوتاه‌مدت سوق دهد: «همیشه ساده‌ترین راه این است که تراکم فروخته شود یا مجوزهای شتاب‌زده صادر شود؛ اما این تصمیم‌ها در بلندمدت هزینه‌های سنگینی برای شهرها ایجاد می‌کنند.»

شوراها پس از جنگ و بازاندیشی در حکمرانی محلی

جنگ ۴۰روزه تنها تقویم انتخاباتی کشور را تغییر نداد؛ مجموعه‌ای از مسائل جدید را نیز پیش‌روی مدیریت شهری قرار داد. از بازسازی واحدهای مسکونی و تجاری آسیب‌دیده تا ساماندهی خدمات شهری در شرایط بحرانی، موضوعاتی هستند که احتمالاً در نخستین ماه‌های فعالیت شورای هفتم در دستور کار قرار خواهند گرفت.

مهدی شیرزاد معتقد است یکی از مهم‌ترین آزمون‌های مدیریت شهری در دوره جدید، نحوه بحران خسارت‌های شهروندان خواهد بود. او می‌گوید: «خانواده‌هایی که خانه محل کار یا دارایی‌های خود را از دست داده‌اند، نباید پس از پایان بحران با فرسایش اداری روبه‌رو شوند. بازسازی صرفاً یک پروژه عمرانی نیست؛ بخشی از بازسازی اعتماد عمومی است.»

او همچنین بر ضرورت بازسازی سریع خسارت‌های ناشی از جنگ تأکید می‌کند و معتقد است شهروندانی که متحمل خسارت شده‌اند، نباید علاوه بر آسیب‌های جنگ، گرفتار پیچ‌وخم‌های اداری شوند.

در همین حال، علی اعطا نیز معتقد است تجربه جنگ نشان داد شهرها تا چه اندازه نیازمند آمادگی بیشتر برای شرایط غیرعادی هستند. از نگاه او، مدیریت شهری در ایران هنوز بیش از اندازه بر امور روزمره متمرکز است و همین مسئله باعث شده موضوعاتی مانند آمادگی بحران، تاب‌آوری زیرساخت‌ها و هماهنگی میان دستگاه‌ها در حاشیه قرار گیرد. اعطا می‌گوید: «ما معمولاً مدیریت شهری را با پروژه‌های عمرانی و خدمات ورزشی می‌شناسیم، اما تجربه اخیر نشان داد که شهرها باید برای شرایط غیرعادی نیز آماده باشند.»

او تأکید می‌کند مفهوم تاب‌آوری باید در مرکز برنامه‌های شورای هفتم قرار بگیرد: «تاب‌آوری فقط مقاومت در برابر بحران نیست، بلکه توانایی حفظ کارکردهای اصلی شهر و بازگشت سریع به شرایط عادی است.»

به گفته او، تهران و بسیاری از کلان‌شهرهای ایران، علاوه بر مخاطرات امنیتی، با چالش‌هایی مانند زلزله، بحران آب، آلودگی هوا و فرسودگی زیرساخت‌ها نیز مواجه هستند و همین مسئله ضرورت نگاه بلندمدت‌تر را دوچندان می‌کند.

اعطا یادآور می‌شود که در سال‌های گذشته بارها موضوع تاب‌آوری شهری، آمادگی در برابر زلزله و مدیریت بحران در شوراها مطرح شده است، اما این مباحث کمتر به اولویت نخست مدیریت شهری تبدیل شده‌اند. از نگاه او، تجربه جنگ



فردای شورای ششم

یادداشت

آتلاین

حضور بی حضور

محمد آقاسی

جامعه‌شناس و پژوهشگر افکار عمومی

حدود ۱۵ سال پیش با یکی از دوستانم که در ایالات متحده آمریکا زندگی می‌کرد، چت می‌کردم. آن روزها یاهو مسنجر و چت جی‌میل تازه رواج پیدا کرده بودند. برای من نوشتت‌که در یک کنفرانس دانشگاهی نشست‌ه و موضوع جذابی در حال ارائه است. موضوع این بود: اگر فردی آتلاین باشد، اما از قابلیت استفاده کند که حضورش را از دیگران پنهان می‌کند، آیا این کار نوعی دروغ یب یا بی‌احترامی به حساب می‌آید؟ آن زمان این پرسش برایم هم خیلی جالب بود و هم عجیب به نظر می‌رسید. مگر خاموش‌کردن یک چراغ سبز کوچک هم می‌توانست مسئله‌ای اخلاقی باشد؟ هرچه گذشت متوجه شدم که آن پرسش‌ها چندین سال پیش مطرح شده است. با گسترده‌شدن ارتباط مبتنی بر پیام‌رسان‌ها میان انسان‌ها، نه‌فقط ارتباط بلکه وضعیت ارتباط نیز دچار تغییر شده است.

از تغییرات مهمی که در حوزه ارتباطات به آن کمتر توجه می‌شود، شیوه آشکارشدن آن است. تا چند دهه گذشته، اگر پاسخ نامه‌ای نمی‌آمد یا تلفن ثابتی، پاسخ داده نمی‌شد، علت آن در هاله‌ای از ابهام بود. نبودن در خانه، دسترسی‌نداشتن، گرفتاری و سایر مواردی را که به ذهن خطور می‌کرد، فقط در ذهن مرور می‌کردیم؛ چون سکوت گیرنده پیام تنها یک دلیل مشخص نداشت. با پلتفرمی‌شدن ارتباطات و زندگی روزمره، مواردی همچون آتلاین‌بودن با چراغ سبز روشن، تیک دوم تحویل، پیام مشاهده‌شده یا حتی علامت در حال تایپ یا گذاشتن صوت، بخش بزرگی از ارتباطات انسانی را در معرض مشاهده قرار داده‌اند.

این تحول فناوریانه، منطری جدید و جدی در تجربه اجتماعی و زندگی احساسی انسان معاصر است. ظاهر جذاب ارتباط مدام، بارها مورد نقد متفکرانی ازجمله شری ترکل آمریکایی قرار گرفته است. چنانچه او هشدار داده بود هرچند فناوری‌های جدید ارتباطی امکان اتصال دائمی را فراهم می‌کنند، اما این به معنای نزدیکی انسان‌ها به یکدیگر نیست. جهان دیجیتال افراد را به یکدیگر متصل کرده، اما الزاماً، مرتبط نکرده است، چراکه اتصال، به گفت‌وشنفت، همدلی و در نهایت یک رابطه معنادار تبدیل نمی‌شود. از این منظر، میان حضور دیجیتال و حضور اجتماعی تفاوت وجود دارد و یکسان نیستند.

انسان معاصر، با فرد آتلاینی روبه‌رو است که پیام را دریافت کرده، آن را دیده، اما پاسخی نمی‌دهد. موقعیتی که از نظر فنی موضوعی ساده است، اما «حضور بدون پاسخ» و نه الزاماً «حضور در سکوت»، پدیده تازه‌ای در زندگی روزمره است و از نظر اجتماعی پیام‌های متعددی تولید می‌کند. سکوت پیام‌گیرنده به معنای فقدان ارتباط نیست، بلکه به موضوعی تفسیرپذیر تبدیل می‌شود. فرستنده پیام شروع به تولید معنا درباره آن می‌کند، حدس می‌زند و واکنش عاطفی نشان می‌دهد.

چنانچه هارت‌موت ژرژ معتقد است فناوری‌های جدید ارتباطی فقط سرعت جابه‌جایی اطلاعات را افزایش نداده‌اند، بلکه انتظارات انسانی از روابط اجتماعی را نیز دگرگون کرده‌اند. ارسال پیام در جهان معاصر تنها چند ثانیه طول می‌کشد، پس تأخیر در پاسخ، به‌سرعت به مسئله‌ای جدی تبدیل می‌شود. سرعت امکان ارتباط بالا رفته و با همان سرعت، تحمل برای انتظار دریافت پاسخ کمتر شده است. سکوت که زمانی عادی بوده، اکنون منشأ اضطراب، سوتفاهم و دلخوری است. پیام‌رسان‌های اجتماعی به «داده‌مندشدن رابطه» کمک کرده‌اند. آنها فقط زمینه ایجاد ارتباط با فرد دیگر را به وجود نمی‌آورند، بلکه به‌طور مدام اطلاعاتی از وضعیت ارتباط ارائه می‌دهند. دیگر تنها فرستنده پیام نیستیم، بلکه به‌عنوان رصدمکننده پیام از زمان ارسال تا دریافت عمل می‌کنیم. رابطه انسانی بیش قابل مشاهده دیجیتال تبدیل شده است.

از این جهت است که مدیریت انتظارات و احساسات مبتنی بر تولید داده‌های ارتباطی، در این دوره دارای اهمیت بیشتری است. شاید مهم‌ترین این پیام‌رسان‌ها این باشد که حضور، غیاب، توجه و بی‌توجهی را از تجربه انسانی به واقعیت قابل مشاهده تبدیل کرده‌اند. با فناوری، ارتباطات انسانی به‌ظاهر آسان‌تر شده، اما لایه‌های تازه‌ای از تفسیر، انتظار و حساسیت عاطفی را وارد زندگی انسانی کرده است.